

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان **جایگاه عقل در مکتب تفکیک** قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد الهیات – فلسفه و کلام اسلامی توسط دانشجو ام البنین حی ادری امین با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر دادخدا خدایار تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

ام البنین حیدری امین

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۳۹۰ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر دادخدا خدایار	
استاد راهنما:		
استاد مشاور:	دکتر مرتضی عرفانی	
داور ۱:		
داور ۲:		
نماینده تحصیلات تکمیلی:		



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب ام البنین حیدری امین تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: ام البنین حیدری امین

امضاء

تقدیم به:

تقدیم به ساحت مقدس امام زمان (عج) که در سایه توجهات ایشان توفیق خدمت و فعالیت

پیدا نمودم.

و به خانواده عزیز و مهربانم که در طول سالیان متمادی تحصیل همواره حامی و مشوق اینجانب

بوده اند.

سپاسگزاری

ستایش سزاوار دادار پاکی است که مرا توفیق بخشید که در مسیر اراده ی او گام بردارم. در کمال تواضع سپاسگزارم از **استاد عالیقدر جناب آقای دکتر دادخدا خدایار** که درس بلندنظری و والاهمتی را از ایشان آموخته ام. ایشان از آغاز تا انجام بر حسن کار نظارت کامل داشتند و با ارشاد و راهنمایی های خویش بسیاری از کاستی ها را برطرف نموده و این حقیر سخت مرهون زحمات بی دریغ ایشان بوده خالصانه تشکر می نمایم.

استاد ارجمند جناب آقای دکتر مرتضی عرفانی که برکات مشاوره و نظرخواهی از ایشان تأثیرات و عایدات مفیدی بر کم و کیف این اثر گذاشت و از هیچ ارشاد و راهنمایی دریغ ننموده اند کمال تشکر و امتنان را ابراز می دارم.

و از اساتید گروه فلسفه اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان که در طول تحصیل راهبر و راهنمایم بودند. و خدای را به خاطر وجود این فرهیختگان در راه کسب علم شاکرم.

چکیده

در طول تاریخ در میان اندیشمندان، عقل به عنوان ابزاری انکارناپذیر برای شناخت هستی و حقایق آن مطرح بوده و هست اما در کم و کیف شناخت و حد و توان آن اختلاف نظر وجود داشته است، این مهم در خصوص مشربهای فکری مسلمانان نیز صدق می کند، اندیشمندان علم کلام، فلسفه، عرفان و ... دیدگاههای خاصی درباره عقل و توان معرفتی آن دارند.

در سده اخیر نظریات جدیدی در میان متکلمین در خصوص ابزار معرفت و راههای دست یابی به آن ظهور کرده اند که هر یک به نحوی ذهن محققین و اندیشمندان حوزه و دانشگاه را بخود مشغول داشته است که از جمله آنها مکتب تفکیک است.

از دیدگاه این مکتب عقل به معنای موجود نوری مجرد خارجی و قائم به ذات است که عامل شناخت می باشد. و انسان که ذاتاً و با قطع نظر از نور عقل، مظلّم الذات است، به خواست پروردگار، و با بهره مندی از آن نور، ذات خود و سایر معلومات را مشاهده و کشف نموده و با فقدان آن نور در حالاتی مانند خواب و نسیان، مجدداً به جهل ذاتی خود برمی گردد.

از نگاه مکتب تفکیک، علوم حصولی ذاتاً اموری ظلمانی اند و همانند دیگر اشیای ظلمانی، توسط نور عقل و علم حقیقی آشکار می گردند. لذا به نظر اصحاب این مکتب، فراگیری علوم بشری، نه تنها بر علم انسان نمی افزاید بلکه مانع رسیدن به معرفت حقیقی می شود، و صرفاً ذهن را از ظلمات، آکنده می سازد.

بر این اساس شرط رسیدن به فهم صحیح و معرفت ناب دینی، چنگ زدن به متون وحیانی، و دوری از تأویل و تطبیق آن بر معارف بشری است و برای این کار باید ذهن را از علوم بشری پاک نمود. اینان ریشه و سابقه چنین اعتقادی را به صدر اسلام مستند می سازند. اما با بررسی عقاید آنان می توان دریافت که اگر چه استناد آنان صرفاً به متون وحیانی است ولی با استدلال از همان متون می توان درصدد پاسخ به شبهات و رد بعضی از عقاید و استدلالهای آنان برآمد.

کلمات کلیدی: عقل فطری - عقل اکتسابی - حجیت ذاتی عقل - معرفت فطری - تجرد نفس - عقل و نقل

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول : کلیات.....
۲.....	- مقدمه
۵.....	- طرح تحقیق.....
۵.....	- تعریف مسأله
۵.....	- پیشینه تحقیق.....
۶.....	- حدود تحقیق.....
۶.....	- سئوالات تحقیق.....
۶.....	- اهداف تحقیق.....
۷.....	- خلاصه مراحل تحقیق.....
۸.....	فصل دوم: مفهوم شناسی عقل.....
۹.....	- معنای لغوی عقل.....
۱۱.....	- عقل در اصطلاح.....
۱۱.....	- مترادفات عقل.....
۱۱.....	- لب.....
۱۲.....	- فقه.....
۱۳.....	- نُهی.....
۱۳.....	- حجر.....
۱۴.....	- قلب.....
۱۵.....	- روح.....
۱۵.....	- صدر.....
۱۶.....	- فهم.....
۱۶.....	- فکر.....
۱۷.....	- ذکر.....

فصل سوم: جایگاه عقل در اسلام.....	۱۸
- مقدمه.....	۱۹
- جایگاه عقل در قرآن.....	۱۹
- جایگاه عقل در احادیث.....	۲۳
- احادیث پیرامون چگونگی خلقت.....	۲۴
- احادیث پیرامون معنایی و کارکردهای عقل.....	۲۴
- عقل نظری.....	۲۴
- عقل عملی.....	۲۵
- عقل فطری.....	۲۶
- عقل اکتسابی.....	۲۶
فصل چهارم: عقل در علوم اسلامی.....	۲۷
- عقل در فلسفه و حکمت.....	۲۸
- مراتب عقل عملی.....	۳۰
- عقل انسانی.....	۳۴
- عقل منفصل و متصل.....	۳۴
- عقل در نزد عرفا.....	۳۵
- عقل نظری و عملی.....	۳۶
- عقل معاش و معاد.....	۳۶
- عقل در کلام اسلامی.....	۴۱
- عقل در مکتب امامیه.....	۴۲
- عقل در مکتب معتزله.....	۴۵
- عقل در مکتب اشاعره.....	۴۷
- عقل در فقه و اصول.....	۴۹

فصل پنجم: عقل در مکتب تفکیک.....	۵۱
- مقدمه.....	۵۲
- تاریخچه.....	۵۴
- تعقل.....	۵۶
- عقل.....	۶۰
- مجرد بودن عقل.....	۶۱
- عقل نور خارجی.....	۶۲
- تفاوت عقل با عاقل و معقول.....	۶۳
- عقل و علم.....	۶۵
- حجیت ذاتی عقل.....	۶۵
- معرفت فطری.....	۶۷
- نفس و عدم تجرد آن.....	۷۱
- بررسی.....	۷۳
فصل ششم: رابطه عقل و نقل.....	۸۴
- تاریخچه.....	۸۵
- دیدگاه فیلسوفان و اندیشمندان اسلامی درباره عقل و وحی.....	۸۶
- فارابی.....	۸۶
- غزالی.....	۸۷
- ابن رشد.....	۸۸
- صدر المتألهین.....	۸۸
- علامه طباطبایی.....	۸۹
- علامه مطهری.....	۹۱
- نکاتی پیرامون تعارض عقل و نقل.....	۹۳
- عقل برون دینی و درون دینی.....	۹۶
- نظرات مکتب تفکیک و تعارض عقل و نقل.....	۹۷
- بررسی.....	۱۰۱

۱۰۵.....نتیجه گیری

۱۱۰.....منابع و مأخذ



دانشگاه سیستان و بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ی الهیات
فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

جایگاه عقل در مکتب تفکیک

استاد راهنما:

دکتر دادخدا خدایار

استاد مشاور:

دکتر مرتضی عرفانی

تحقیق و نگارش:

ام البنین حیدری امین

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

مهر ۱۳۹۰

فصل اول:

کلیات

مقدمه:

یکی از مسائلی که همواره ذهن بشر را بخود مشغول داشته است راه رسیدن به حقیقت و واقعیت است و از آنجا که حس حقیقت جویی فطرتاً در نهاد هر انسانی نهفته است خداوند ابزار رسیدن به آن را نیز به او عطا نموده است. به عقیده بسیاری از مکاتب و اندیشمندان تاریخ مهمترین این ابزار که آن را همتای پیامبران دانسته اند و پیامبر درون نام نهاده اند عقل می باشد. ارزش و نقش عقل تا بدانجاست که اساس هرگونه کمال و پیشرفت مادی و معنوی را مرهون عقل می دانند. و آن را عامل تفاخر انسان بر سایر مخلوقات می شمارند.

عقل مایه تمایز انسان از سایر موجودات مادی به شمار رفته و هرگونه سخن، اعتقاد و یا رفتاری که بر خلاف عقل باشد نکوهیده است در عوض از گفتار و رفتار عقلانی، غالباً ستایش می شود. بی شک تعامل عقل های بشری در طول تاریخ، پیامدهای بزرگی در پی داشته است که مکاتب و نحله های گوناگون و میراث عظیم علمی و فرهنگی حاصل این عقل خدادادی است.

از جمله مکاتب مدعی در خصوص هدایت انسانها به سوی حقیقت ، مکتب تفکیک است که چند ده سالی است در محافل علمی و فرهنگی کشور مطرح شده و انتقاداتی را نسبت به فلسفه اسلامی و عرفان وارد کرده است. شعار اصلی این مکتب استفاده از آموزه های صرفاً وحیانی و احتراز از تفکرات فلسفی و عرفانی بخصوص در بحث معرفت شناسی است.

اصولاً واژه تفکیک اشاره به لزوم جداسازی سه روش مهم یعنی راه و روش معرفتی قرآن ، فلسفه و عرفان و پرهیز از تأویل متون دینی با استفاده از مطالب فلسفی و عرفانی دارد. این تفکر خاص ابتدا توسط برخی از روحانیون برجسته سنتی در حوزه علمیه مشهد مقدس تأسیس و توسعه یافت.

پایه گذار اولیه این تفکر، مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و با هدف عرضه نمودن معارف الهی، بدون شائبه های غیر دینی به ویژه فلسفه و عرفان بود این خط مشی بعدها توسط شاگردان ایشان دنبال گردید اما هیچ کدام از آنان، اصطلاح تفکیک را بر مجموعه عقاید و آراء خود ننهادند تا اینکه برای اولین بار در

دهه هفتاد و آنهم در مجله کیهان فرهنگی (سال ۱۳۷۱) توسط استاد محمدرضا حکیمی طی مقاله ای نام تفکیک بر این مکتب نهاده شد.

ایشان بعدها این مقاله را بسط و گسترش دادند و در کتابی بنام مکتب تفکیک جهت معرفی بیشتر، منتشر نمودند. با مراجعه به منابع پیشینیان تفکیک و هواداران کنونی این مکتب، می توان آنان را به دو جریان مختلف تقسیم کرد:

جریان نخست: بنیان گذار آن مرحوم میرزای مهدی اصفهانی است و سپس شاگردان برجسته ایشان مرحوم سید موسی زرابادی قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی و شیخ محمود حلبی و دیگران که در بسط و گسترش آراء استاد خویش نقش به سزایی ایفاء نمودند.

روح غالب بر این جریان، برخورد صریح با فلسفه و عرفان، و ناسازگار دانستن کامل این دو علم با متون وحیانی است. لذا در آثار این گروه تعبیر تند و اتهامات شدید نسبت به فلاسفه و عرفا به کرات مشاهده می شود.

جریان دوم: مروجین این مکتب در حال حاضر می باشند که بارزترین چهره آنان، استاد محمدرضا حکیمی و حجه الاسلام سیدان می باشند.

این گروه روش متعادل تری را در برخورد با فلسفه و عرفان در پیش گرفته اند. اینان معتقدند که این دو علم به کلی باطل نیستند اما نمی توانند در رسیدن به معرفت ناب، راه گشای انسان باشند.

به عقیده این گروه فلسفه و عرفان را باید خواند اما نباید به دین ربط داد. زیرا وحی معصوم است و علوم بشری خطا بردار. بعلاوه کلام حق محض را باید خالی الذهن درک کرد زیرا استمداد از معارف بشری موجب رواج تأویل می گردد.

منشأ این پندار در هر دو جریان، متباین دانستن علوم بشری با علوم الهی و غیراسلامی بودن فلسفه و عرفان است. به زعم ایشان فلسفه اسلامی، ریشه یونانی دارد و میراث سرزمینهای غیراسلامی است که در سایه نهضت ترجمه و انتقال علوم یونانی به عالم اسلام در ذهن متفکران فیلسوف پالوده گشته است.

درباره این مکتب از جنبه های گوناگون می توان سخن گفت اما آنچه در این پژوهش مورد نظر است عقیده بزرگان این مکتب درباره عقل و نقش آن در حوزه معرفت شناسی است زیرا از نظر این گروه، عقل، فلسفی و عرفانی نمی تواند تکیه گاه مطمئنی در وصول به معرفت باشد.

همچنین درصددیم در حد توان خویش نقاط مشترک و مورد اختلاف را به دقت مورد بررسی قرار دهیم لذا برای این منظور پنج فصل تدوین شده که هر فصل بنا به ضرورت به بخش هایی تقسیم گردیده است. در فصل اول به کلیات رساله پرداخته شده است و در فصل دوم به معانی لغوی و اصطلاحی عقلی و مترادفات آن اشاره گردیده است.

در فصل سوم جایگاه عقل در قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفته و در فصل چهارم به نظرات فلاسفه، عرفا، فقها و متکلمین پرداخته ایم.

در فصل پنجم به بیان دیدگاه بزرگان مکتب تفکیک در خصوص عقل و در فصل ششم به بررسی جایگاه تعارض عقل و نقل و دیدگاه علماء تفکیک و سایر اندیشمندان در این خصوص و راه حل این تعارض پرداخته شده است.

طرح تحقیق :

۱. تعریف مسأله:

یکی از مهمترین منابع و ابزار رسیدن به واقعیت و معرفت استفاده از عنصر عقل است که عمده معارف بشری موجود در جهان نتیجه تعقل و تفکر می باشد. هر چند بین مشرب های گوناگون، تعابیر متعددی از عقل مشاهده می کنیم اما باید دید آیا این تعابیر قابل جمعند یا متضاد به شمار می روند؟ یکی از جریان های مهم دین پژوهی که چند ده سالی است در محافل علمی و فرهنگی کشور مطرح شده، جریان مکتب تفکیک می باشد که نگاهی خاص و متفاوت به عقل و کارکردهای آن دارد که با عقل فلسفی متفاوت و متغایر به نظر می رسد.

اینان به عقل فطری تکیه بسیار داشته و عقل استدلالی و فلسفی را در درک معارف و حیانی ابزاری ناکارآمد دانسته و دلیل این ادعا را اختلاف فلاسفه و متکلمان و عرفا در بسیاری از مسائل دینی می دانند. لذا اصل مسئله مورد نظر این است که اساس این اختلاف چیست و برداشت هر مشرب از عقل و حد و توان آن کدام است؟

۲- پیشینه تحقیق:

اگر چه مکتب تفکیک، مکتبی نوپا و تازه تأسیس به شمار می رود و موسسان و شخصیت های مدافع آن در سالیان اخیر، آثار و تألیفاتی در این خصوص نگاشته اند و دیگران نیز مستقیم و غیرمستقیم نقدها و تحلیل هایی را بعنوان تأییدیه یا ردیه بر این مکتب نوشته اند اما در بسیاری از کتب تمامی مبانی این مکتب، یکجا مورد بررسی قرار گرفته، (از جمله کتاب نقد و بررسی نظریه تفکیک توسط دکتر محمدرضا ارشادی نیا یا کتاب صراط مستقیم توسط محمدحسن و کیلی) لذا این رساله از حیث پرداختن به یک موضوع خاص، به نوعی اثری جدید به حساب می آید. بعلاوه آنکه تا آنجا که اطلاع کسب گردیده ، نوشته مستقلی با این عنوان در خصوص دیدگاه تفکیک درباره عقل به تحریر در نیامده است.

بنابراین با عنایت به اهمیت و جایگاه عقل در معارف بشری بالاخص معارف اسلامی و بویژه در آموزه ها و تعالیم شیعی، ضرورت دارد این موضوع با دقت و تعمق بیشتری بطور مستقل مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

۳- حدود تحقیق:

محدوده ای که برای این پژوهش در نظر گرفته شده، کتب تفسیری، روایی، فلسفی، کلامی و عرفانی و بخصوص بررسی و تحلیل آثار پایه گذاران و منتقدان مکتب تفکیک می باشد.

۴- سؤالات تحقیق:

- ۱- معنای عقل در لغت و اصطلاح چیست؟
- ۲- منظور از عقل در آیات و روایات چیست؟
- ۳- آیا عقل در شناخت معارف دینی حجیت دارد یا خیر؟
- ۴- منظور از عقل فطری و عقل نظری و اکتسابی چیست و این دو چه رابطه ای با یکدیگر دارند؟
- ۵- آیا مرز قاطعی بین تعقل فلسفی و کلامی و آن چه مکتب تفکیک تحت عنوان عقل دینی مطرح می کنند وجود دارد؟
- ۶- حکما و فلاسفه چه نظری درباره عقل دارند؟
- ۷- نظر عرفا و متکلمین نسبت به جایگاه عقل چیست؟
- ۸- آیا همه معتقدان به تفکیک در خصوص عقل، نظر واحدی دارند یا خیر؟
- ۹- در تعارض عقل و نقل راه حل چیست؟

۵- اهداف تحقیق:

هدف از پژوهش مزبور این است که با عنایت به اصالت و ارزش معارف عقلانی و فلسفی در منابع دینی (قرآن و سنت) و نیز تلاش عده ای از فلاسفه و اندیشمندان و عارفان معتبر جهان اسلام در این خصوص و همچنین عقیده خاص موسسان و شاگردان این مکتب درباره عقل، لازم است جهت شفاف و

روشن شدن اختلاف و اشتراک دیدگاهها مناسب است در این موضوع تحقیق و تفحص بیشتری انجام شود.

۶- خلاصه مراحل تحقیق:

در ابتدا بررسی منابع مربوط به حوزه پژوهش و فیش برداری اطلاعات و داده ها صورت گرفته و سپس تحلیل و ارزیابی از مسئله عقل و جایگاه آن در مکاتب مختلف انجام و دیدگاه خاص اهل مکتب تفکیک مورد مذاقه و نقد و بررسی قرار گرفته و سپس نظر مطلوب ارائه شده است. به طور کلی مراحل تحقیق به این صورت انجام شده است:

۱- جمع آوری منابع و مطالعه آثار مختلف در ارتباط با موضوع ، یادداشت و فیش برداری مطالب مربوط به موضوع تحقیق

۲- توصیف و تحلیل داده ها و اطلاعات بدست آمده و ارزیابی از مسئله عقل در مکتب تفکیک

۳- نتیجه گیری از مباحث طرح شده

۴- مطالعه نهائی، ویرایش و تایپ تحقیق

فصل دوم:

مفهوم شناسی عقل

معنای لغوی عقل:

از کتب لغت بر می آید که معنای اصلی این کلمه حبس کردن و در بند آوردن است. این معنا در بسیاری از کاربردهای این کلمه به چشم می خورد مثلاً از این واژه در مورد بستن پاهای شتر و یا هنگامی که دارویی شکم انسان را بند می آورد، استفاده می شود. همچنین به پابند کردن شتر، "عقال" می گویند و قلعه و پناهگاه را نیز "معقل" می نامند.

راغب اصفهانی درباره عقل می گوید: « واصلُ العقلِ الامساکُ و الاستمساکُ کعقلِ البعیرِ بالعقالِ و عقلِ الدواءِ البطنِ و عقلتِ المرأه شعراً و عقلَ لسانه کفه » (راغب اصفهانی: ۱۳۲۴: ۵۷۸)
اصل عقل به معنای امساک و استمساک است. مانند بستن شتر با ریسمان و بند آوردن دواء شکم را و بستن زن موی خویش را و باز داشتن زبان از سخن گفتن.
ابن منظور در لسان العرب می گوید:

« رجلٌ عاقلٌ و هو الجامعُ لِامره و ردیه مأخوذٌ مِنْ عَقَلْتِ الْبَعِيرِ إِذَا أَجْمَعَتْ قَوَائِمَهُ و قِيلَ الْعَاقِلُ الَّذِي يَحْبُسُ نَفْسَهُ و يَرُدُّهَا عَنْ هَوَاهَا أَخَذَ مِنْ قَوْلِهِمْ قَدْ اِعْتَقَلَ لِسَانَهُ إِذَا حَبَسَ و مَنَعَ الْكَلَامَ... و سُمِّيَ الْعَقْلُ عَقْلًا لِأَنَّهُ يَعْقِلُ صَاحِبَهُ عَنِ التَّوَرُّطِ فِي الْمَهَالِكِ أَيْ يَحْبِسُهُ » (ابن منظور بی تا: ج ۷: ص ۴۵۹)
مرد عاقل کسی است که امر و رأی خویش را جمع می کند و از "عقلت البعیر" گرفته شده یعنی دست و پای شتر را جمع کردم و گفته شده عاقل کسی است که نفس خود را حبس می کند و آن را از هوایش باز می دارد و از قول "قد اعتقل لسانه" گرفته شده یعنی زبان را نگه داشت و از سخن گفتن منع کرد... و عقل را عقل گفته اند چون صاحبش را از سقوط در هلاکت مهار می کند یعنی باز می دارد.

درباره ماده عقل در التحقیق اینگونه آمده: « انَّ اَصْلَ الْوَاحِدِ فِي الْمَادَةِ : هُوَ تَشْخِصُ الصَّلَاحِ و الْفَسَادِ فِي جَرِيَانِ الْحَيَاةِ مَادِيًا و مَعْنَوِيًا ثُمَّ ضَبَطَ النَّفْسُ و حَبَسَهُ عَلَيْهَا و مِنْ لَوَازِمِهِ: الْاِمْسَاكُ و التَّدْبِيرُ و حَسَنُ الْفَهْمِ و الْاِدْرَاكُ و الْاِنْزِجَارُ و مَعْرِفَةُ مَا يَحْتَاجُ اِلَيْهِ فِي الْحَيَاةِ و التَّخَصُّنِ تَحْتَ بَرْنَامِجِ الْعَدْلِ و الْحَقِّ و التَّحْفُظِ عَنِ الْهَوَى و التَّمَايِلَاتِ. » (التحقیق: بی تا: ۱۹۶)

ماده عقل یکی است و آن تشخیص صلاح و فساد در جریان زندگی مادی و معنوی است. و از لوازم آن پرهیز کردن و تدبیر و نیکی فهم و درک و بیزاری و شناخت آنچه در زندگی به آن نیاز است و تحت برنامه های عدل و حق و حفظ کردن از هوی و تمایلات است.

علامه طباطبایی در تعریفی از عقل می فرماید: کلمه عقل مصدر است برای عقل، یعقل به معنای ادراک و فهمیدن چیزی، البته ادراک و فهمیدن کامل و تمام و نیز می فرماید عقل به معنای آن حقیقتی است که درون آدمی است و به وسیله آن، بین صلاح و فساد و بین حق و باطل، راست و دروغ فرق گذاشته می شود. (طباطبایی: ۱۳۶۳: ج ۲ / ۲۴۷)